**راهکارهای تأمین امنیت نرم در جمهوری ‌اسلامی ایران**

**با تأکید بر نقش نیروهای مقاومت بسیج**

**سیدمحمدجواد قربی[[1]](#footnote-1)**

**چکیده**

تأمین امنیت و پایدارسازی آن یکی از دغدغه‌های همیشگی دولت‌ها و بازیگران سیاسی در محیط بین‌المللی و حتی سطح ملی است. تحول تهدیدات علیه کشورها و گذار از سخت‌افزار‌گرایی به‌سوی تهدیدات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که از آن با عناوینی مختلف چون تهدید نرم، جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی و غیره یاد می‌شود، زمینه را برای شکل‌گیری امنیت نرم‌افزاری فراهم ساخته است. به‌عبارتی دیگر، از آنجا که ماهیت تهدیدات علیه جمهوری ‌اسلامی در دهه‌های اخیر بیشتر جنبه نرم‌افزارانه و فرهنگی به خود گرفته است؛ از این‌رو، شکل‌گیری امنیت نرم و تأمین آن برای جمهوری ‌اسلامی ایران حائز اهمیت است و مجموعه فرهنگ‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه ایرانی که هر کدام تولیدکننده قدرت نرم برای ایران هستند زمینه را برای بازتولید امنیت نرم برای ایران آماده کرده است. پژوهش حاضر با روش اسنادی و تحلیلی، پس از شناسایی و توضیحاتی در باب امنیت نرم، مترصد پاسخ‌دهی به این سؤال اساسی است که نیروی مقاومت بسیج از چه طریق و راه‌هایی می‌تواند امنیت نرم‌افزارانه جمهوری اسلامی ایران را تثبیت نماید یا آن را تحقق بخشد؟

**واژگان کلیدی:** امنیت، امنیت نرم‌افزارانه، جمهوری اسلامی ایران، راهکارهای تثبیت‌کننده.

در نظام بین‌الملل، کشورها از لحاظ امکانات و توانایی‌های مادی و معنوی در یک سطح قرار ندارند و به‌همین دلیل، منافع دولت‌ها گاهی با یکدیگر متفاوت است و این امر به بروز درگیری بین آنها می‌انجامد. بر این اساس، تلاش مستمر برای تأمین امنیت ملی یا گسترش دامنه آن یکی از مهم‌ترین اولویت‌های کشورها در عرصه روابط بین‌المللی است. تأمین بالاترین حد امنیت ملی یکی از نگرانی‌های عمده دولت‌ها و یکی از پایه‌های سیاست خارجی آنها در گذشته و حال تلقی می‌شود(ماندل، 1388، ص11). برقراری مناسبات سیاسی و اقتصادی، تقویت توان نظامی و دفاعی، جست‌و‌جوی متحد، بستن پیمان‌های نظامی و همراهی با نظام امنیت جمعی، همه برای دستیابی به‌چنین هدفی است(روشندل، 1387، ص4). البته باید توجه داشت که امنیت برای هر جامعه‌ای امری است نسبی، احساسی و استنباطی و تا حدودی نیز جنبه ارزشی دارد، زیرا هر قومی ممکن است امنیت را بر اساس دیدگاه‌های خاص خود تعبیر و تفسیر کند. بی‌تردید، امنیت ملی در هر کشوری با قدرت ملی آن رابطه مستقیم دارد و هیچ کشوری بدون دستیابی به امنیت ملی نسبی و مطلوب در جامعه خود، قادر نخواهد بود به توسعة ملی دست‌یابد(تهامی، 1388، ص14). امنیت در عین حالی که بعدی مهم از ابعاد مطالعات سیاسی، اجتماعی، روان‌شناسی و اقتصادی به‌شمار می‌رود خود مقوله‌ای چند بعدی است که از لایه‌های مختلفی تشکیل و تقسیماتی متفاوت برای آن، حسب سطح و گونه‌شناسی، عرضه شده است(اسنایدر، 1384، ص13). یکی از تقسیمات و لایه‌هایی که در دهه‌های اخیر توسط راسموسن و جانسون مطرح شده است بر چهره نرم امنیت در مقابل گفتمان سلبی امنیت اشاره دارد. اصطلاح امنیت نرم به یکی از مباحث مهم مطالعات سیاسی تبدیل شده است(نصیری، 1388). یکی از ویژگی‌های غالب تهاجم نرم‌افزاری علیه جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌ریزی راهبردی مخالفان نظام برای ایجاد تنش چند بعدی با هدف مشروعیت‌زدایی و شکاف‌زایی میان سطوح جامعه و حاکمیت با هدف تسریع و تسهیل در ایجاد و گسترش بحران‌های امنیت اجتماعی است. مهار مؤثر و پیشگیرانه این تهاجم مستلزم تبیین نقشه جامع مدیریت راهبردی امنیت نرم و رفع کاستی‌های احتمالی تقنینی، نظارتی و اجرایی در ساختار امنیت ملی است(دلاورپوراقدام، 1390، ص103). بر این اساس، شناسایی و مفهوم‌شناسی امنیت نرم و ارائه راهبردهای اجرایی برای تحقق امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است.

**ضرورت و اهمیت پژوهش**

اهمیت پژوهش حاضر از دو دیدگاه تئوریک و کاربردی قابل بررسی است. از منظر تئوریک باید اذعان داشت که تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بروز و ظهور فناوری‌های جدید، مفاهیم امنیت را به‌طور بنیادی در حوزه مطالعات این علم دگرگون ساخته است. بنابراین با توجه به نقش این تحولات در حوزه‌های مدیریتی و اداره جامعه، بازخوانی‌های مطالعاتی و ایده‌پردازی‌ها پیرامون مفاهیم جدید و آثار و نتایج آن باید صورت گیرد(باقری و یوسفی، 1390، ص41). اما از نظر کاربردی باید به جدی بودن تهدیدات نرم توجه کرد. تهدید نرم یکی از انواع سه‌گانه تهدید(سخت، نیمه‌سخت و نرم) است. در تهدید نرم، عامل تهدید از ابزارهای مختلف و از جمله ابزار فرهنگی و با هدف تأثیرگذاری بر ذهن‌ها و باورها استفاده می‌کند. در تهدید نرم از قدرت نرم استفاده می‌شود و آن عبارت از قدرتی است که عامل آن می‌تواند بر اراده دیگران از طریق جلب نظر و متقاعد ساختن برای پذیرش مطلبی بدون به‌کارگیری زور و اجبار تأثیر بگذارد. ساز و کارها، منابع و ابزار تهدید نرم، ارتباط مستقیم با ماهیت و چگونگی قدرت نرم دارد. کاربرد قدرت نرم، تأثیرگذاری بر ذهن‌ها با هدف تغییر و شکل‌دهی به ذهنیت‌های جدید است. متقاعد‌‌سازی، قانع‌کردن، جلب‌ نظر، تغییر ذائقه‌ها و سرانجام تغییر رفتارها هدف نهایی در به‌کارگیری قدرت نرم در عرصه تهدید نرم است. صاحب قدرت نرم با بهره‌گیری از ارتباطات، اطلاعات، انفورماتیک، اینترنت، ماهواره‌ها، مطبوعات، امواج ‌رادیویی و تلویزیونی به دنبال متقاعد‌سازی و تغییر نگرش رقیب، مخاطب و در واقع دشمن خود است. دشمنان انقلاب ‌اسلامی، طی 34 سال گذشته انواع تهدیدها را علیه انقلاب ‌اسلامی و جمهوری اسلامی به‌کار برده‌اند؛ با وجود این، جمهوری اسلامی از چنان قدرت و استحکامی برخوردار است که دشمنان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که دیگر تهدید سخت علیه آن کارساز نخواهد بود. بر همین اساس دشمنان در دهه چهارم برای کنترل جمهوری اسلامی و تغییر رفتار آن بر روی تهدید نرم تمرکز پیدا خواهند کرد. شکل‌گیری ناتوی فرهنگی از سوی غرب و نظام سلطه علیه انقلاب‌اسلامی با همین هدف انجام گرفته است. از این‌رو، امنیت نرم و توانایی تولید آن برای کشورها و به‌ویژه جمهوری اسلامی در محیط راهبردی حائز اهمیت است و برای رسیدن به این امر باید در بدو امر، به شناسایی امنیت نرم پرداخت.

سؤال‌های تحقیق

الف) سؤال اصلی

* با توجه به ضرورت امنیت نرم، راهکارهای تحقق امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران کدام است؟

ب) سؤالات فرعی

برای پاسخ‌ به سؤال اصلی لازم است به سؤالات فرعی ذیل پرداخته شود:

* امنیت ‌نرم در ادبیات سیاسی به چه معنایی است و برای استقرار و تأمین امنیت ‌نرم چه رویکردهایی وجود دارد؟
* ساختار و مؤلفه‌های امنیت‌ نرم‌ برای کشورها کدامند و چه چیزهایی اهداف مرجع امنیت نرم‌افزاری به‌شمار می‌روند؟
* امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارد؟
* نقش نیروهای مردمی بسیج در تولید امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران چیست و چه راهکارهایی برای ادامه توان تولیدکنندگی امنیت نرم بسیج وجود دارد؟

**بخش اول**

**مروری بر مباحث نظری**

در گذشته جنگ سخت میان کشورها حکم‌فرما و ماهیت تهدیدات، خشن و سخت‌افزاری بود و همین امر ضرورت امنیت سخت را توجیه می‌کرد؛ لیکن با ورود به عصر نوین که ابزار و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی رو به گسترش هستند، از ابزارهای نوین علیه کشورهای غیر هم‌سو به‌کار گرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر عرصه و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی، ارزشی و علمی مورد تهدید قرار گرفته‌اند و همین امر سبب گشته است که کشورهای هدف به‌سوی تأمین امنیت نرم حرکت کنند. جنگ نرم و تهدیدات ناشی از آن در عرصه فرهنگی، اجتماعی، ارزشی و غیره موجب شد تا امنیت یک‌جانبه جای خود را به یک امنیت همه‌جانبه دهد یعنی علاوه بر تأمین نیازهای امنیتی در بعد سخت‌افزاری، نیازهای سایر بخش‌ها را تأمین کند. بر این اساس برای فهم و شناخت بهتر بحث، ابتدا مفهوم امنیت و سپس امنیت نرم تشریح خواهد شد.

**الف) امنیت**

اگر چه مبادی اندیشگی توجه به بعد نرم پدیده‌های سیاسی و اجتماعی دارای ریشه‌های تاریخی مکانی است؛ لیکن به‌طور مشخص، جمع‌بندی و نظریه‌پردازی جوزف‌نای که با طرح مفهوم قدرت نرم صورت گرفت، آغازگر تلاشی تازه در این حوزه ارزیابی می‌شود که تا به امروز ادامه داشته و شاهد طراحی و ارائه ترکیبات تازه‌ای از این وصف با مفاهیم دیگری چون تهدید نرم یا امنیت نرم می‌باشیم(افتخاری، 1390، ص18). مفهوم امنیت در عرصه مباحث و سیاست‌گذاری‌های امنیتی، دگرگونی‌های چشم‌گیری داشته است. مرور ‌اجمالی نظریه‌های مطرح در مطالعات امنیتی نشان‌دهندة روندی پرفراز و نشیب است که در آن نظریه‌ها از ساده‌سازی، بدیهی‌انگاری و یک‌جانبه‌گرایی به‌سوی تلقی پیچیده بودن امور امنیتی، برخورداری امنیت از سطوح و ابعاد گوناگون، غیرمادی و اجتماعی بودن امنیت متحول شده‌اند.

نظریه‌های امنیت از آرمان‌گرایی خوشبینانه و واقع‌گرایی بد‌بینانه به سرشت انسان و جوامع انسانی شروع شده است که در آنها امنیت دارای مصداقی عینی و بدیهی است که برای همه قابل درک است و بدون پرسش درچارچوب دولت‌ ملی و حداکثر در سطح جهانی برای دولت‌ها و به‌طور طبیعی برای افراد و شرکت‌های آنها فراهم می‌شود. در این رویکرد، دولت محور مطالعات امنیتی است. این موجودیت برای برقراری امنیت به‌وجود آمده و امنیت آن بدون پرسش امنیت افراد و اجزای تشکیل‌دهنده آن نیز معنادار است(یزدان‌فام، 1388، ص117). به هر حال، برخی از تعاریف امنیت به شرح ذیل است:

از دیدگاه استانلی هافمن[[2]](#footnote-2) امنیت عبارت است از حفاظت از یک ملت از جمله فیزیکی و مصون و محفوظ داشتن فعالیت‌های اقتصادی آن از جریان‌های ویران‌کننده بیرونی. امنیت کسب احترام و اعتبار جهانی، تأمین منافع اقتصادی مردم و هر چیز دیگری است که شأن و حیات ملت را می‌سازد. از دیدگاه ریچارد کوپر[[3]](#footnote-3) امنیت عبارت است از توان یک جامعه برای حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌های خود. "آرنولد ولفرز" با توجه به ابعاد دوگانه عینی و ذهنی امنیت، معتقد است امنیت در بعد عینی به نبود تهدیدها نسبت به ارزش‌ها و در بعد ذهنی به نبود ترس از تهدید ارزش‌ها می‌پردازد و آنها را می‌سنجد. هارتلند و ثاتانبرگ[[4]](#footnote-4) با توجه به‌مسئله منفعت، امنیت ملی را چنین تعریف کرده‌اند که امنیت ملی یعنی توانایی تحصیل موفقیت‌آمیز منافع از سوی یک ملت در هر جای جهان به شکلی که آنها را تصور می‌کنند(کریمی و بابایی، 1390، صص26-25).

**ب) امنیت نرم**

به مرور، نگرش کلاسیک و سنتی به امنیت از سوی نظریه‌های دیگر با چالش رو‌ به رو شد و توانایی آن در تأمین امنیت برای دولت و افراد جامعه مورد تردید قرار گرفت. این تردیدها با تحولات به‌وجود آمده در عرصه بین‌المللی و افول موقعیت جنگ به‌عنوان ابزار سیاسی در مناسبات کشورها، افزایش سود اقتصادی صلح و پیرایش وابستگی متقابل میان کشورها، رشد نظام‌های مردم سالار در جهان و حرکت به‌سوی صلح مردم‌سالارانه در دوره پس از جنگ سرد تقویت شد. در عرصه مطالعات امنیتی، ابعادی جدید برای امنیت و تهدیدهای امنیتی مطرح شد. مکتب کپنهاک امنیت را نه در چارچوب رویکرد نظامی و راهبردی بلکه در چارچوب مباحث اقتصادی، زیست‌محیطی، امنیت اجتماعی و انسانی مطرح کرد. در این مکتب، امنیت و تهدیدهای امنیتی دیگر به تهدیدهای نظامی محدود نمی‌شود، هر چند دولت همچنان مرجع و کارگزار امنیت تلقی می‌گردد. با وجود این، تأکید این دیدگاه‌ها بر دولت به‌عنوان موجودیتی بسیط و بی‌توجهی به‌ عوامل اجتماعی و ژرف ‌مبانی نظری مادی‌گرایانه، نگاه تک‌بعدی به مرجع، موضوع و شیوه تأمین امنیت موجب شد این رویکردها نتوانند پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای به مسائل و موضوعات امنیتی جدید داشته باشند. گسترش فزاینده جهانی شدن در دو دهه اخیر، موجب پیدایش پارادایم جدیدی شد که در چارچوب نظریه‌های اجتماعی یا نظریه‌های پسا اثبات‌گرا قرار دارند(یزدان‌فام، 1388، ص118). از نظر آنها، سرچشمه‌های عدم امنیت بشر به مراتب دامنه‌دار‌تر از آن چیزهایی است که از دیرباز در حوزه علایق صاحب‌نظران راهبردی قرار داشته است؛ امنیت باید به‌عنوان ارزش هنجاری شناخته شود نه هدف‌ ابزاری(یزدان‌فام، 1388، صص119-118). امنیت نرم، اشاره به امنیتی است که از جوامع و دولت‌ها در برابر صدمات و خطرها به‌گونه‌ای ملایم و ناملموس حراست می‌کند. امنیت نرم در نظر راسموسن و جانسون، در چارچوب پیروی از آموزه عدم خشونت یا خشونت‌پرهیزی معنا می‌یابد و سازوکار جوهری آن، متقاعد کردن است. در چارچوب مطالعات امنیتی و راهبردی، اغلب از عنوان تهدیدهای امنیت نرم استفاده می‌شود. این عبارت، اشاره به تهدیدهایی است که ماهیت سیاسی و نظامی ندارند و بیش از دولت، متوجه جامعه می‌شوند(پورسعید، 1389، صص44-43). امنیت در دوره فرامدرن، تحت تأثیر تغییرات گسترده در نظام بین‌الملل، توسعه ارتباطات، پیشرفت‌های فناوری و نزدیکی پیشینه جوامع به یکدیگر و افزایش همگرایی‌های منطقه‌ای و جهانی، تجلی می‌یابد و عناصر نامحسوس قدرت ملی از قبیل رهبری، روحیه ملی، دیپلماسی و غیره اهمیت بیشتری نسبت به گذشته می‌یابند(عسگری و وکیلی، 1390، ص323). با وجود این، امنیت به امنیت سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی تقسیم می‌شود و وجود سطح قابل قبولی از امنیت در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی به کسب امنیت در تمامی زمینه‌ها وابسته است. البته رهیافت نرم‌افزاری که رقابت‌پذیری و پایداری را مؤلفه‌های مهم و اصلی امنیت ملی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی تلقی می‌کند آسیب‌پذیری دولت و امنیت ملی را در برابر انواع فشارهای داخلی و خارجی بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد(پوراحمدی، 1387، صص167-166).

**بخش دوم**

**جمهوری اسلامی ایران و امنیت نرم**

جمهوری اسلامی ایران، نظامی انقلابی است که به انقلاب ارزش‌ها معروف است. این انقلاب، انقلابی مردمی و اجتماعی و مبتنی بر ارزش‌های دینی بود که به رهبری امام خمینی(ره)، حکومت مقتدر و مجهز به انواع سلاح‌ها را با بهره‌گیری از قدرت نرم سرنگون کرد و به پیروزی رسید. در تأسیس جمهوری اسلامی، پیوند مردم و دولت به حداکثر ممکن رسید و مردم حکومت را حکومت خود ‌دانستند و سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات آن را در راستای منافع خود و جامعه ارزیابی کردند. در طول حیات جمهوری اسلامی، قدرت نرم به‌شکل گسترده مورد استفاده بوده و اعمال قدرت با هزینه‌ای اندک عملی ‌شده است. دولت و مردم دارای ارزش‌ها، اهداف و گرایش‌های مشترک فراوانی‌اند که به فهم مشترک آنها از روند امور، سیاست‌ها و تحولات منجر می‌شود و موجب همراهی مردم با سیاست‌ها و برنامه‌های دولت می‌گردد. مردم و دولت منافعی مشترک دارند و تعارض یا برداشت متعارض از منافع بسیار اندک است. این همسویی و درک مشترک، هزینه‌های دولت را در اعمال سیاست‌ها و برنامه‌ها به حداقل رسانده و موانع را به‌سرعت از بین می‌برد. علاوه بر این، مردم ایران تجربه برگزاری انتخابات متعدد در جمهوری اسلامی ایران را دارند که در آن اقدام به اعمال حق تعیین سرنوشت خود می‌کنند. آنها زمامداران خود را برگزیده، برنامه‌هایشان را تأیید کرده یا آن را رد نموده و به برنامه و نامزد رقیب رأی می‌دهند. چنین روندی جامعه ایران و تجارب و نگرش مردم را نسبت به مناسبات آنها با حکومت تغییر داده و شرایط خاصی را بین آنها برقرار کرده است که آن را می‌توان رابطه هژمونیک بین دولت و ملت عنوان کرد. در این نوع رابطه، چیزی که رفتار مردم را در برابر حکومت شکل می‌دهد، ارزش‌ها و باورهای مشترک و توان متقاعدکنندگی حکومت است. رابطه آنها از نوع رابطه زورمندانه و سلطه‌گرایانه نیست که مبتنی بر ترس و وحشت مردم از حکومت باشد. مردم ایران تجربه دو انقلاب مردمی و یک جنگ طولانی مردمی را دارند و به‌ نظر می‌رسد ترس آنها از قدرت بسیار کمتر از ملت‌های دیگر منطقه است؛ از این‌رو تکیه بر امنیت نرم، هم لازم و هم اجتناب‌ناپذیر است(یزدان‌فام، 1388، صص130-129). انقلاب اسلامی دارای آموزه‌هایی به این شرح است: به چالش کشیدن دو اردوگاه شرق و غرب، تجدید نظر در ساختار نظام بین‌المللی، ایجاد نظم اسلامی، جایگزینی امت واحد به جای ملت- دولت، صدور انقلاب به محرومان و ملت‌ها نه دولت‌ها، اتخاذ سیاست موازنه منفی، انقلاب جهانی و در یک کلام گرایش به سیاست‌های ضد امپریالیستی، ضد ملی‌گرایی و ضد سلطنتی. انقلاب اسلامی آرمان‌های بلندی داشت و این آرمان‌ها، پیام نرم جمهوری اسلامی برای جهانی امن‌تر و مسالمت‌آمیزتر بود. پیام نرم جمهوری اسلامی در بیرون از مرزهای ایران باعث شد قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای تمام‌قد مقابل آن بایستند. شعار ضد امپریالیستی و نه شرقی و نه غربی باعث تحریک قدرت‌های بزرگ و شعارهای ضد ملی‌گرایی و ضد سلطنتی باعث هراس حکومت‌های کشورهای پیرامون ما به‌ویژه در خلیج فارس شد. پس از جنگ تحمیلی، افزایش انتظارات، جهانی شدن و بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ، باعث تقویت آرمان‌های داخلی انقلاب شد. از سوی دیگر، تحقق الگوی فرهنگی اسلام و نشان دادن الگوی موفق کشور اسلامی نیازمند بهبود فنی و اقتصادی داخلی بود(غرایاق‌زندی، 1388، صص102-100). به‌ ‌طور کلی بررسی تک‌تک عوامل مؤثر در توجه به امنیت نرم نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران راهی جزء توسل به این شیوه ندارد. ایران از قدیم در مسیر فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون قرار داشت و مناسبات فرهنگی و تمدنی آن بسیار عمیق و دامنه‌دار است. در شرایط کنونی، این تعامل علیرغم برخی محدودیت‌ها همچنان تداوم یافته و گسترده‌تر نیز شده است. جمهوری اسلامی ایران، همانند سایر کشورها در معرض تغییر پارادایم امنیت قرار گرفته است. امنیت دیگر جلوگیری از تهدید نظامی مستقیم خارجی نیست بلکه، ابعاد گوناگون اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و مانند آن را فرامی‌گیرد که نیازمند توجه و اقدامات بیشتر دولت‌هاست. انتظارات مردم از دولت به‌شدت افزایش یافته و عملکرد حداقلی دولت در تأمین امنیت ملی نمی‌تواند موجب مشروعیت آن شود. در شرایط عادی، مشروعیت دولت‌ها فراتر از رفتار معطوف به امنیت سخت است و پاسخ به انتظارات به‌وجود آمده در مردم و توجه دولت به آن، موجب دوری آنها از نظام‌های فکری و گفتمانی رقیب می‌شود و در عمل به تقویت بیشتر مشروعیت دولت می‌انجامد. به‌نظر می‌رسد در این شرایط، همت مسئولین باید معطوف به‌روش‌های بازتولید مشروعیت و تضعیف عوامل آشوب‌ساز فکری باشد تا مبانی فکری و مشروعیتی نظام سیاسی بیش از این تقویت شود و بتواند به احیاء و بازسازی گفتمانی و مشروعیتی خود بپردازد(یزدان‌فام، 1388، صص131-130). راهبرد بازتولید گفتمانی در تجربه سی و چند ساله جمهوری اسلامی ایران، نمونه‌های قابل ذکر و به نسبت موفق- دست‌کم در کوتاه‌مدت و میان‌مدت- داشته است. برای نمونه، نظام سیاسی توانست پس از پایان جنگ تحمیلیِ هشت‌ساله، گفتمان جمهوری اسلامی را به‌واسطه تفسیر توسعه‌محور از آن، در عرصه اجتماعی بازتولید کند و نیاز عمومی کشور به بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ تحمیلی را رفع نموده و هم‌زمان، پاسخ‌گوی برخی مطالبات گروه‌های نوپدید اجتماعی باشد. گفتمان پیروز شده در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری نیز مبین تلاش برای بازتولید گفتمان اصلی جمهوری اسلامی در چارچوب نوعی پیوند میان اسلام‌گرایی و اقتصادگرایی بود و می‌کوشید با اتخاذ سیاست‌های عمل‌گرایانه و اقتضایی در حوزه اقتصاد، خدمات اقتصادی- معیشتی ملموس و معطوف به زندگی روزمره مردم را در خدمت حفظ و تداوم اصول اسلامی و هویتی نظام قرار دهد. این بازتولید گفتمانی با هدف بازگرداندن اسلام‌گرایان و محرومین به متن گفتمان جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شد، چرا که تصور می‌رفت گفتمان توسعه‌محور، این دو گروه را به‌تدریج به‌حاشیه گفتمان اصلی نظام سوق دهد. بر این اساس، شرایط امکان بازتولید گفتمانی ایده جمهوری اسلامی در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌ها را می‌توان در چهار محور تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام گفتمانی خلاصه کرد(پورسعید، 1388، صص157-156).

**بسیج و امنیت نرم**

فرهنگ و تفکر بسیجی از اسلام ناب محمدی(ص) نشئت می‌گیرد که در آن ارزش‌های انسانی رشد و تکامل یافته، مملو از شایستگی و بایستگی است؛ حیات معقول و تکامل‌بخش انسان را فراهم آورده، پیش‌رو، هدف‌دار، اصیل و متأثر از اصول ثابت معقولی است که بر دریافت‌های عالی انسانی متکی است؛ بستر حرکت عمومی جامعه، آرمان‌گرا، ظلم‌ستیز، متأثر از ارزش‌های اسلامی، واجد عناصرِ معنویت، شهادت، شجاعت، غیرت و حریت است و دارای ابعاد مادی و معنوی می‌باشد که در آن اولویت با حفظ ارزش‌هاست و حساسیت‌های اعتقادی و سیاسی دارد و برای کل بشریت پیام دوستی، صلح، استقلال، پیشرفت و تکامل را به ارمغان می‌آورد. بر این اساس، بسیج دارای شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی فرهنگی است که در بازتولید قدرت نرم برای ایران اسلامی نقشی به‌سزا دارند و این کارکردها در تثبیت و تحقق امنیت نرم مؤثر هستند و از آن جمله است واقع‌بینی، حق‌مداری، کمال‌جویی، اطاعت محض از خدا و رسول خدا(ص) و اهل بیت(ع) و ولایت فقیه، مجهز بودن به بالاترین ابزارهای معنوی و مادی، داشتن روحیه شهادت‌طلبی، صبر و استقامت، شجاعت و از غیر خدا نترسیدن، انضباط و هماهنگی در کارها و داشتن برنامه‌ریزی دقیق، عدم سازش با کفار، دوستی با مؤمنین و دوستداران اهل بیت و مخالفت با دیگران (تولی و تبری)، ایثار و از خودگذشتگی و مبارزه با رفاه‌طلبی و تجمل‌پرستی و رهبانیت، التزام عملی به احکام اسلامی و مقررات حکومتی، صداقت و درستی در کردار و رفتار و گفتار، انس با قرآن و کتب مقدس، بصیرت و دانایی، مدارا با مردم در کارها، قاطعیت و صلابت در افکار و پندار، تکلیف‌مداری و غیره(بابایی‌طلاتپه، 1387، صص97-96).

سازمان‌های مختلفی قدرت و امنیت لازم را برای نظام‌های سیاسی تأمین می‌کنند. به‌طور کلی، مجموعه‌هایی که کارویژۀ آنان تولید قدرت نرم است می‌توانند زمینه‌های لازم برای تحقق امنیت نرم‌ را فراهم آورند. نیروی مقاومت بسیج در زمره چنین مجموعه‌هایی قرار دارد. این مجموعۀ سازمانی می‌تواند نشانه‌های امنیت نرم را در ایران تولید و تأمین کند. حداکثرسازی تحرک اجتماعیِ نیروهای جوان، ارتقاء سطح انسجام اجتماعی از طریق ایجاد تعامل دائمی بین نیروهای اجتماعی و ارزش‌های حکومتی و فعال‌سازی شرایطی که منجر به اجتماع امنیتی می‌شود را می‌توان در زمره شاخص‌هایی برشمرد که عاملی اساسی و تعیین‌کننده‌ در تحقق امنیت نرم‌ جمهوری اسلامی ایران خواهند شد. از سوی دیگر، کارآمدی نیروی مقاومت بسیج در شرایطی افزایش می‌یابد که این مجموعه بتواند با تهدیدات امنیتی فرا‌روی خود مقابله کند و به هر میزان که نیروی تبلیغاتی این نیرو افزایش یابد طبیعی است که چارچوب‌های ایدئولوژیک و ارزشی کشور برای شهروندان از جذابیتی بیشتر برخوردار می‌شود. نیروهای اجتماعی برای ایفاء نقش مؤثر و سازنده نیازمند بازتولید دائمی هنجارها و سازماندهی نرم‌افزاری‌اند. سازماندهی در شرایطی شکل می‌گیرد که نیروی مقاومت بسیج بتواند نقش و جایگاهی مؤثر در فرایندهای کنترل و فرماندهی اجتماعی ایفاء کند. به هر میزان که سطح مقابله با تهدیدات افزایش یابد قابلیت نیروهای بسیج برای مقابله با تهدیدات افزایش خواهد یافت. به این ترتیب، برای تحقق اهداف امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران توسط نیروی مقاومت بسیج باید شاخص‌ها و نشانه‌های ذیل فراهم شود:

الف) زمینه‌های مساعد ساختاری برای تحرک، سازماندهی و فعالیت گسترش‌یابندۀ نیروی مقاومت بسیج فراهم شود و نیازهای مالی، سازمانی و ایدئولوژیک آنان برای تحقق کنش جمعی به‌وجود آید.

ب) فشارهای ساختاری یا تنش‌هایی که ممکن است منجر به‌ظهور تضادهایی ‌شود به‌گونه‌ای مشهود کاهش یابد؛ زیرا تنش و فشارهای ساختاری را می‌توان عامل بی‌نظمی در روند شکل‌گیری کنش جمعی دانست.

پ) نیروی مقاومت بسیج نیازمند رشد و گسترش باورهای تعمیم‌یافته، است. این امر از طریق بهره‌گیری از قالب‌های ارزشی و وحدت‌بخشیِ ایدئولوژیک نظام اجتماعی به‌دست می‌آید. ارزش‌ها و ایدئولوژی عامل ثبات و تداوم الگوهای رفتاریِ سازمان‌یافته به‌شمار می‌روند.

ت) اهداف معطوف به امنیت نرم‌ زمانی محقق می‌شود که افزون بر شرایط مساعد ساختاری، عوامل شتاب‌دهنده‌ای نیز وجود داشته باشد. هنگامی که تهدیدات امنیت ملی شکل می‌گیرد به‌خصوص در شرایطی که این تهدیدات ماهیت برون‌مرزی دارد زمینه برای کنش جمعی و همبستگی نیروهای اجتماعی تابع یگان‌های بسیج فراهم خواهد شد.

ث) تحقق اهداف طولانی‌مدت، نیازمند شبکه‌های ارتباطی و پشتوانه‌های مالی است. به‌عبارت دیگر، حداکثرسازی کنش جمعی به روابط اجتماعی سازمان‌یافته و نهادینه‌شده، معطوف است.

ج) عملکرد نیروی مقاومت بسیج در جهت تحقق امنیت نرم‌ نیازمند کنترل اجتماعی و سازمانی است. به‌طور طبیعی تحقق الگوهای کنترلی باید نخست: ماهیت ساختاری داشته باشد؛ دوم: مبتنی بر رفتار جمعی باشد؛ و سوم: با سرعت و هیجان بیشتری شکل گیرد(متقی، 1387، صص211-210). ساختار و سازمان بسیج که از ابتدا تاکنون گسترش چشمگیر داشته است، یکی از ظرفیت‌های بی‌بدیل در مدیریت قدرت نرم به‌شمار می‌رود. در حال حاضر هیچ سازمانی به گستردگی بسیج نیست و حضور بسیج در همه سطوح سیستم کلان کشور محسوس است: بسیج اساتید، دانش‌آموزی، بسیج دانشجویی، فرهنگیان، سازندگی، جامعه پزشکان، کارکنان، اصناف، هنرمندان، کارگران، عشایر، خواهران و غیره نمونه‌ای از وسعت سازمانی این نهاد در ابعاد کمی و کیفی است. در کنار این موضوع، پایگاه و حوزه‌های بسیج در استان‌ها، شهرستان‌ها، شهرها، بخش‌ها، دهستان‌ها و روستا‌ها بیانگر قابلیت سازمانی بسیج در مدیریت قدرت نرم و همچنین ظرفیتی برای ارتقاء ضریب امنیت نرم‌ و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است. عمده‌ترین ویژگی‌های بسیج که در تحقق مدیریت قدرت نرم و ایجاد امنیت نرم مؤثر است عبارتند از:

**- فراگیر بودن نیروهای بسیج**

فراگیری نهاد بسیج بی‌نظیر است. این ویژگی را در همه حوزه‌های جامعه اعم از فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی می‌توان مشاهده کرد. به ‌بیان دیگر، فراگیری بسیج هم به‌صورت عمودی و هم افقی است. ویژگی فراگیری را می‌توان در سطح سازمانی و اغلبِ نهادها مشاهده کرد. همچنین در سطح مردمی همه اصناف و اقشار و طبقات اجتماعی را دربرمی‌گیرد و در سطح قومی و زبانی، در همه اقوام کشور حاضر است. به‌ لحاظ سرزمینی در همه نقاط کشور حضور دارد و در سطوح سیستمی در همه سیستم‌های فرعی فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی دارای نقش و کارکردهایی مهم و اساسی است.

- **چندبعدی بودن بسیج**

بسیج با توجه به اساسنامه‌اش و عملکرد و کارویژه‌های آن تک‌بعدی نیست و تنها در حوزه نظامی تعریف نمی‌شود. در مجموع بسیج یک نیروی دوبعدی است که بعد دیگر آن متصل به محیط خاص(برای نمونه دانش‌آموزی و دانشجویی) است و یک بعد آن متصل با نهاد سپاه فهم می‌شود.

- **توان نرم‌افزاری بسیج**

بسیج بیش از آنکه رسالت سخت‌افزاری داشته باشد، دارای رسالتی نرم‌افزاری است. شالوده اصلی بسیج بُعد فرهنگی آن است. چنانچه رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العلی) فرمودند: بسیج باید توسعه فعالیت‌های فرهنگی داشته باشد چون اساس کار و شاکله بسیج، نیروی ایمان و مسئله فرهنگی است(منبع).

 از این رو، بسیج با تفکر بسیجی، ایمان، ایثار، صداقت، شهامت و مواردی از این دست شناخته می‌شود. در نبود این شاخصه‌ها، ساختار و سازمان بسیج بی‌معنا خواهد شد.

- **اجتماعی بودن بسیج**

 بسیج در اجتماع ریشه دوانیده است. بسیج یک رابطه اجتماعی معنادار با متن توده دارد. مردمی بودن بسیج از دیدگاه قوانین و رویه‌ها و همچنین از منظر امام‌خمینی(ره) و امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) یک اصل بنیادی است و یک تشکل مردمی است که با مردم ارتباط دارد و مسئولیتش به صحنه آوردن مردم در خلأها و نیازهای انقلاب و کشور است(باقری، 1387، صص233-232).

**تهدیدات نرم و راهکارهای تداوم کارکردهای بسیج در تولید امنیت نرم**

1)آسیب‌شناسی فرهنگ و تفکر بسیجی

یکی از گام‌های اولیه و مهم برای حفظ و استحکام فرهنگ و تفکر بسیجی، شناسایی اصول و چارچوب‌های اصلی فرهنگ و تفکر بسیجی است؛ اصولی که این دو بر اساس آنها نضج یافته، شکل و هویت می‌گیرند. برای نمونه، یکی از آسیب‌هایی که امور معنوی و فکری را همواره تهدید می‌کند تأویل و تحریف معنوی آنهاست. برای حفاظت از تفکر و فرهنگ بسیجی باید هر یک از ویژگی‌های اخلاقی که برای بسیج وجود دارد به درستی معنی شود و مصادیق عینی و الگوهای عملی برای آنها معرفی کرد تا امکان هرگونه تأویل و تحریف را از مخالفان گرفت. بنابراین برای آسیب‌شناسی تفکر و فرهنگ بسیجی باید اقدامات زیر را انجام داد:

* شناخت اصول و مبانی تفکر و فرهنگ بسیجی(مهندسی فرهنگ بسیجی)،
* تبیین معنی و مفهوم صحیح و درست ویژگی‌های افکار و ارزش‌های بسیجی،
* تعیین الگوهای عملی به تناسب هر یک از ویژگی‌ها.

2) روزآمدکردن فرهنگ بسیجی

بسیجی برای اینکه بتواند در بستر زمان زنده بماند و افکار و فرهنگش همواره راهگشا باشد باید با حفظ اصول و مبانی بتواند پاسخگوی نیازهای زمان و مکانی باشد که در آن قرار می‌گیرد، در غیر این صورت، در مواجهه با فرهنگ‌های دیگر که با اسم‌ها و عناوین به‌روز ظهور می‌کنند، ایستایی و استحکام خود را از دست داده، دچار دگردیسی خواهد شد. رهایی از این پیامد تنها به کمک روزآمد کردن افکار و ارزش‌های بسیجی امکان‌پذیر است. بنابراین برای اینکه بسیجی در طول زمان پویا بماند باید همواره افکار او به تناسب زمان و شرایطی که پیش می‌آید به‌روز شود. در این راستا لازم است علما و اندیشمندان اسلامی دست‌کم هر ماه با ارائه بولتن‌های علمی به زبان ساده و جذاب به صورت سازماندهی شده به شبهه‌ها و مسائل مطرح شده در فرهنگ‌های دیگر پاسخ دهند و رسانه‌های جمعی به صورت هدایت شده این افکار را ترویج دهند. برای اینکه بتوان به این مهم دست یافت باید اقدامات زیر را انجام داد: شناسایی افکار و ارزش‌های مخالف و رقیب افکار و فرهنگ بسیجی، شناسایی ترفندها و روش‌های ترویج افکار بیگانه، تبیین افکار و روش‌های ترویج فرهنگ بیگانه و پاسخگویی به آنها، تهیه بولتن‌ها و برنامه‌های متناوب برای توسعه افکار بسیجیان بر اساس مسائل جدید(بابایی طلاتپه، 1387، صص 101-99).

**3)گسترش روند علم‌گرایی و دانش‌محوری در نهاد بسیج**

پیشرفت و ترقی علمی- فناوری با توسعه و خودكفایی كشور، ارتباط تنگاتنگ دارد. هرچه كشوری از توان علمی بالا و از صنعت و فناوری پیشرفته برخوردار باشد، با همت و پشتكار و نیروی ایمان مردم فعال آن، می‌تواند مراحل توسعه و سازندگی را در زمانی كوتاه‌تر طی كرده و نیازهای خود را به دور از وابستگی به قدرت‌های استعماری مرتفع سازد. به تعبیر مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی):

بسيج، همين راه است؛ همين حركت است؛ همين هدف هاست؛ همين ابزارها و وسيله‌هاست. بسيج، جمع فداكارى از مردمند، براى مردم؛ تشكيل يك مجموعه‌اى در حركت عظيم يك ملت مجاهد. حضور در دفاع، حضور در علم، حضور در هنر، حضور در سازندگى، حضور در سياست، در فرهنگ، در كمك به مستضعفان، در كمك به درماندگان، در توليد، در فناورى، در پيشبرد مسائل گوناگون كشور، در ورزش، در درخشش هاى بين‌المللى، در هر كار خير؛ اين حركت بسيج است؛ حركتى مردمى، براى مردم، در دل مردم، از خود مردم، از همه قشرها، زنان، مردان، جوانان، پيران، نوجوانان، از اصناف گوناگون؛ يعنى تشكيل يك مجموعه حزب‌الله واقعى. بسيج سياسى است، اما سياست‌زده نيست، سياسى‌كار نيست، جناحى نيست؛ بسيج مجاهد است، اما بى‌انضباط نيست، افراطى نيست؛ بسيج عميقاً متدين و متعبد است، اما متحجر نيست، خرافى نيست؛ بسيج با بصيرت است، اما از خودراضى نيست؛ بسيج اهل جذب است - گفته‌ايم جذب حداكثرى - اما اهل تسامح در اصول نيست؛ بسيج غيور است، پاسدار خطوط فاصل است؛ بسيج طرفدار علم است، اما علم‌زده نيست؛ بسيج متخلق به اخلاق اسلامى است، اما رياكار نيست؛ بسيج در كار آباد كردن دنياست، اما خود اهل دنيا نيست. اين شد يك فرهنگ (بيانات در دیدار اقشار نمونه بسیج سراسر كشور؛ 6 آذر 1390).

علم‌گرایی و دانش‌محوریِ بسیج و نیروهای مردمی می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را در جنگ و منازعه علمی سرافراز گرداند و در عین حال نوعی امنیت اقتصادی و علمی را که از ارکان امنیت نرم است را برای ایران به ارمغان آورد.

**4) شتاب‌دهیِ تؤامان روند معنویت و اخلاق‌گرایی در نیروهای بسیجی**

حفظ معنویت انقلاب كه از آرمان‌های مهم و اساسی آن است همراه با حفظ معارف و اخلاق اسلامی از ضروریات اصلی است كه بسیجیان مكلف به آن می‌باشند. تكیه بر معنویات به صورت عملی، آنچنان كه دیگران در چهره بسیجی روح عرفان و معنویت را مشاهده كنند و متخلق بودن به اخلاق اسلامی از اموری است كه باید بسیجیان خود را عامل بدان بدانند و این خصوصیات به طور عینی و عملی در وجود آنها متجلی باشد. بسیجیان باید زبان گویای انقلاب، اسوه و الگویی صادق، نمونه بارز و مجسم مؤمن اسلام باشند. انقلاب ما یك انقلاب الهی، ارزشی و معنوی بود و از اهداف عمده آن، حاكمیت اخلاق و معارف اسلامی در جامعه است. بسیجیان با ارزش گذاشتن به معنویات و عمل نمودن به دستورات دینی و دارا بودن اخلاق اسلامی، می‌توانند در حفظ، تبلیغ و اشاعه فرهنگ و معارف اسلامی بكوشند و دیگران را به ارزش‌های اسلامی راغب سازند. آنها با اهتمام در اجرای امر به معروف و نهی از منكر از راه زبان و عمل، به معارف دین كه خود زیربنا و اساس انقلاب اسلامی است ارج می‌نهند و در نتیجه، فضای جامعه را سالم و سلامت حركت انقلاب را تأمین می‌كنند.

بسیجیان می‌توانند پاسدار معروفات جامعه باشند و بازدارندگان منكرات. آنها می‌توانند با صبر و استقامت و فداكاری خویش، با عرفان و شناخت و اخلاق نیكو، با بزرگ‌منشی و تعاون و همكاری با دیگران، نمونه‌ای از انسان والای اسلامی باشند كه خود را متعهد به انجام رسالتی بزرگ می‌داند. آنان می‌توانند در عمل درس‌های مختلفی از عشق و ایثار، استقامت و معنویت و اخلاق و... را به جامعه بیاموزند و از این نظر، اسوه‌ای عملی برای دیگران قرار گیرند. الگویی كه ساخته انقلاب است و می‌تواند راه انقلاب را در زمینه تحول بخشیدن به جان و نفوس انسان‌ها تداوم بخشد. بسیجیان می‌توانند اسوه‌های انقلاب، اسلام و مكتب باشند و در پرورش انسان‌ها تأثیر عملی و مثبت داشته باشند. می‌توانند در تقویت اراده دیگران و در برانگیختن حس اعتماد به نفس و اتكاء به خویشتن در دیگران مؤثر باشند و در تربیت نسلی قوی، با اراده و مصمم، نقش بسزایی داشته باشند منوط به اینكه از نقش خود آگاه بوده و در عمل زمینه چنین رسالت مهمی را فراهم سازند(ثواقب،1391).

این بعد از اخلاق‌گرایی و ارزش‌محوری نیروهای بسیجی می‌تواند نوعی امنیت معنوی را برای کشور به ارمغان آورد و با افزایش این معنویت‌گرایی، نیروهای بسیجی و نهاد بسیج می‌توانند شبکه‌های ارزشی و فرهنگی نظام عقیدتی و ارزشی ایران اسلامی را در مقابل تهدیدات خزنده و نرمی که امنیت فرهنگی را از آن سلب می‌کند، صیانت نمایند و به نوعی از ایستارها و نگرش‌های قوام‌بخش نظام سیاسی محافظت کنند. به تعبیری دیگر شتاب‌دهی به روند اخلاق‌گرایی و معنویت‌گرایی در نیروهای بسیجی، امنیت معنوی را برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت.

**5) تقویت نقش‌های فرهنگی؛ بسیج به مثابه یک پاره‌فرهنگ**

از کارکردهای اجتماعی بسیج که به‌واسطه خاستگاه، فضای رشد و نمو و مأموریت‌ها و وظایف مختلف این نهاد در فضای عمومی جامعه شکل گرفته، جایگاه بسیج و بسیجیان به عنوان یک پاره‌فرهنگ است. انتساب بسیج به ولایت فقیه،‌ قرار گرفتن در فضای ایثار و شهادت دوران دفاع مقدس، قرار دادن مسجد به عنوان محل فعالیت و نقش‌آفرینی‌های بسیج در فعالیت‌های دفاعی، مذهبی و فرهنگی، ارتباط این نهاد مردمی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که عصاره و مظهر ایثار و پاسداری از کشور و انقلاب تلقی می‌شود و حضور فعال بسیج در سازمان‌ها، اقشار، گروه‌ها، اصناف و مناطق جغرافیایی، فرهنگی و حوزه‌های شهری، روستایی و عشایری، در سی سال گذشته به تدریج به شکل‌گیری پاره‌فرهنگی در مجموعه فرهنگ ملی کشور به نام فرهنگ بسیجی منجر شده است.

این پاره‌فرهنگ که با رشد و نمو مستمر، بخشی از هویت اجتماعی جامعه ملی شده است، همانند هر پاره‌فرهنگ دیگر امکان و ظرفیت خاصی را پدید آورده که با برنامه‌ریزی هدفمند و درست می‌توان ضمن تقویت و گسترش آن، از نتایج این فرهنگ مقبول به نحو مطلوب در فضای عمومی استفاده کرد. این پاره‌فرهنگ برخلاف بسیاری پاره‌فرهنگ‌ها که تعلقات صنفی، منطقه‌ای دارند، در سطح جامعه ملی شناخته شده است. تجلی فرهنگ بسیجی در جامعه اغلب در مواردی از قبیل تلاش پرشور، خستگی‌ناپذیر و هدفمند، حضور یکپارچه و حماسی، خلوص و صداقت و بی‌آلایشی در رفتار، دوری از زرق و برق و ایثار بی‌ادعا در عرصه اجتماع متبلور شده است.

فرهنگ بسیجی که پاره‌فرهنگ خاصی از فرهنگ ملی را در کشورمان رقم زده، در فرهنگ عمومی کشور پدیده‌ای نو و برآمده از ارزش‌های انقلاب اسلامی است. این فرهنگ در آشتی دادن بی‌اعتمادی تاریخی شکل گرفته میان مردم و دولت لازم و کارآمد است. با این حال بهره‌برداری از این ظرفیت بسیار مستعد، نیازمند بازشناسی این جایگاه و کارکردهای متناسب آن در تقویت فرهنگ، هویت و همبستگی ملی از سوی مدیران و برنامه‌ریزان عالی کشور در بخش‌های مربوطه است. فرهنگ بسیجی که پاره‌فرهنگ خاصی از فرهنگ ملی را در کشورمان رقم زده، در فرهنگ عمومی کشور پدیده‌ای نو و برآمده از ارزش‌های انقلاب اسلامی است. این فرهنگ در آشتی دادن بی‌اعتمادی تاریخی شکل گرفته میان مردم و دولت، تقویت سازندگی و توسعه فرهنگ، قناعت و تلاش مداوم برای رسیدن به اهداف تعریف شده در جامعه و ابزار و وسایل مشروع رسیدن به آن اهداف به‌ویژه در دوره گذار از جامعه سنتی به جامعه توسعه‌یافته، بسیار لازم و کاراست. جامعه در حال گذار ما در مواجهه با پدیده‌های مدرن در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی - که خیلی از آنها به مثابه یک تهدید می‌توانند امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران را با معضلات اساسی مواجه سازند-، بیش از هر چیز نیازمند بازسازی یک الگوی بومی در فعالیت‌های اقتصادی، مشارکت‌پذیری اجتماعی، احساس مسئولیت جمعی و اعتماد متقابل میان بخش‌های مختلف جامعه است. فرهنگ بسیجی به شرط آنکه در جایگاه خود شناخته شود و از استفاده‌های ابزاری حفاظت شود، می‌تواند مدلی از سبک زندگی و رفتار اجتماعی ایرانی مسلمان پیش‌رو به جامعه عرضه کند(گودرزی،1390).

به هر حال تقویت پاره‌فرهنگ بسیجی در سطح جامعه می‌تواند نوعی امنیت نرم‌افزارانه و معنوی را برای ایران به ارمغان آورد و تا حدودی از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی در سطح جامعه می‌کاهد و به مثابه یک پدافند غیر عامل در حوزه‌های فرهنگی و ارزشی عمل می‌نماید به‌گونه‌ای که از فروپاشی اخلاقی، اضمحلال ارزشی، استحاله فرهنگی و سایر تهدیدات فرهنگی جلوگیری می‌کند.

**6) تقویت الگوسازی و افزایش الهام‌بخشی بسیج در راستای همبستگی ملی**

بسیج جریان و نیرویی مردمی است که مبتنی بر آگاهی، تعلق خاطر و وفاداری به ارزش‌های برآمده از انقلاب اسلامی به شکل داوطلب و خودجوش به حرکت و رشد خود ادامه می‌دهد. به عبارت دیگر بقا و تداوم بسیج بستگی به میزان علایق و تعلق خاطری دارد که اعضای ملت ایران را به سوی این کانون تعلق حرکت می‌دهد در غیر این حالت تداوم آن ناممکن خواهد بود. بنابراین برخلاف سایر مراکز که براساس تعهدات سازمانی و حرفه‌ای، خود را ملزم به انجام مأموریت و وظایفی خاص در مقابل دریافت حقوق و مزایای تعریف‌شده‌ای قرار داده‌اند، بسیج نیروی مردمی و خودجوشی است که براساس آگاهی و تعلق خاطر به ارزش‌های خاص انگیزه یافته و اراده حضور در یک ارتش مردمی پیدا کرده است. در نتیجه بعد مردمی و داوطلب بودن نیروی بسیج برای تداوم این سازمان از اهمیت درجه اول برخوردار است و حفظ و تداوم فرهنگ بسیجی نیز وابسته به تداوم این رویکرد است. بنابراین پایگاه مردمی بسیج مهم‌ترین کانون حفظ و تداوم بسیج است. از سوی دیگر، این خاستگاه امکان فراوانی به ویژه در الگوسازی و الهام‌بخشی به سایر هم‌میهنان در راستای تقویت علایق جمعی و وفاداری به عناصر هویت ملی و همبستگی و انسجام ملی فراهم می‌آورد. بر این اساس برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از این ظرفیت و تسری آن به فرهنگ ملی به ویژه در مناطق قوم‌نشین و پاره‌فرهنگ‌های محلی، زبانی، مذهبی و غیره می‌تواند در کانون توجه مدیران فرهنگی و مسئولان امور دفاعی کشور قرار گیرد.

**7) بازتعریف مردمی امنیت ملی؛ با رویکردی بر نهاد بسیج**

شکل‌گیری ارتش مردمی و نیروی میلیونی متشکل از قشرها و گروه‌های مختلف مردم، گونه‌ای خاص از تعلق مردمی فراگیر و عمومی به امنیت و انسجام ملی کشور را در بدنه جامعه جاری می‌کند. این مهم با تنوع قشری و گستره وسیع حضور بسیج در متن جامعه معنا پیدا می‌کند و تا حد زیادی دولت و ملت را به‌ویژه در مشارکت و همراهی در حفظ و تداوم و مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی و مشارکت در امنیت ملی به عنوان تعلق خاطر عمومی مردم جامعه در یک جبهه قرار می‌دهد. به عبارت دیگر بسیج اندیشه امنیت ملی را از سازمان‌های رسمی و خاص حاکم به بدنه جامعه منتقل می‌کند و از پایگاه مردمی به بازآفرینی ضرورت حضور و نقش‌آفرینی در عرصه امنیت ملی به عنوان حلقه اتصال حاکمان و مردم می‌پردازد(گودرزی،1390). این نقش‌آفرینی در سطح میانی از کارکردهای اصلی بسیج در تولید و تقویت امنیت نرم برای ایران است که باید بر وسعت و دامنه آن افزوده شود. از آنجا که در حوزه امنیت نرم، صرفاً دولت‌ها تأمین‌کننده و برقرارکننده امنیتِ نرم‌افزارانه نیستند و نقش آحاد جامعه، نیروهای مردمی و نهادهای مردم‌نهاد نیز گریزناپذیر است، نهاد بسیج می‌تواند به ایفای نقش در زمینه برقراری امنیت نرم بپردازد و در عین حال از هزینه‌های جاری حکومت هم می‌کاهد.

**نتیجه‌گیری**

ویژگی‌ها و ماهیت عصر نوین و زمینه‌های مناسب فناوری، محیط را برای تهدیدات نرم آماده کرده است که همین امر در مواجهة کشورهای سلطه‌گر علیه جمهوری اسلامی مشهود است. برنامه‌ریزی راهبردی مخالفان نظام برای ایجاد تنش چند بعدی با هدف مشروعیت‌زدایی و شکاف‌زایی میان سطوح مختلف جامعه و حاکمیت با هدف تسریع و تسهیل در ایجاد و گسترش بحران‌های امنیت اجتماعی از نشانه‌های تهدیدات نرم علیه جمهوری اسلامی است. مهار مؤثر و پیشگیرانه این تهاجم مستلزم تبیین نقشه جامع مدیریت راهبردی امنیت نرم است. امنیت نرم، اشاره به امنیتی است که از جوامع و دولت‌ها در برابر صدمات و خطرها به‌گونه‌ای ملایم و ناملموس حراست می‌کند. به ‌عبارت دیگر، امنیت نرم اشاره به وضعیتی دارد که دولت می‌تواند اکثر تهدیدات نرم را مدیریت و کنترل کند تا کمترین آسیب‌ها به کشور از ناحیه تهدیدات نوین وارد شود. یکی از کشورهایی که پس از استقلال سیاسی و اقتصادی، همواره با انواع تهدیدات نرم مواجه بوده است، جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ از این رو، بحث امنیت نرم و تحقق آن حائز اهمیت است. البته جمهوری اسلامی ایران دارای منابع امنیت نرم متنوعی است که باید به بازتولید آنها همت گمارد. نیروهای مردمی بسیج در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به ‌دلیل داشتن توانمندی‌های نرم‌افزاری یکی از منابع تولید کننده امنیت به‌شمار می‌روند. ویژگی‌هایی چون چندبعدی بودن، اجتماعی و مردمی بودن، دامنه وسیع، توان نرم‌افزاری و مسائلی از این دست برای کمک به نرم‌افزار‌گرایی امنیتی ایران بسیار مهم تلقی می‌شود. برای آنکه بسیج بتواند نقش خود را در تولید و بازتولید امنیت نرم به‌ خوبی ایفا کند راهکارهایی می‌توان عرضه کرد که از آن جمله می‌توان به ‌مواردی همچون به‌روز کردن فرهنگ بسیجی، توجه به مقوله آسیب‌شناسی و آینده‌پژوهی مقولات بسیج، برگزاری سمینارهای علمی، بازتعریف اولویت‌های دوره‌های راهبردی بسیج و بازتعریف بسیج به‌عنوان یک نهاد فرهنگی اشاره کرد.

**منابع**

- منابع در نسخه چاپی فصلنامه موجود است.

1. (ره)خمینی امام اسلام، پژوهشکده سیاسی اندیشه ارشد کارشناسی دانش‌آموختۀ. [↑](#footnote-ref-1)
2. ***Stanly Hofman*** [↑](#footnote-ref-2)
3. ***Richard Copper*** [↑](#footnote-ref-3)
4. ***Hartland-Thunberg*** [↑](#footnote-ref-4)